



DOI: 10.22034/mral.2025.2041919.1672

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴، ۰۶، ۱۶

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳، ۰۸، ۲۸

تحلیل حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از به کارگیری هوش مصنوعی در حوزه دعاوی اداری

محمد جلیلی شاه منصور^۱

مرضیه هاشمی قندعلی^۲

سیدعلی میرداماد نجف آبادی^۳

چکیده

کاربردهای هوش مصنوعی در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی امری عیان و بی نیاز از استدلال و برهان می باشد. هوش مصنوعی غالباً توسط سازمان ها و نهادهای مختلف در جهت وصول به اهداف و صلاحیت های خویش مورد استفاده قرار می گیرد. در این میان دادگاه های اداری نیز از این امر مستثنا نبوده و برای حل دعاوی اداری، هوش مصنوعی را مورد استفاده قرار می دهند. نوپدید بودن هوش مصنوعی موجب شده تا درباره ماهیت هوش مصنوعی دیدگاه های مختلفی مطرح گردد. نوشتار حاضر به هدف تبیین مبانی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از به کارگیری هوش مصنوعی و نیز تسریع در جهت امور شهروندان، ضمن بررسی همه نظریات مطروحه درباره ماهیت هوش مصنوعی و همچنین تطبیق مبانی معروف مسئولیت مدنی بر محل بحث، آنها را مورد اشکال قرار داده و بدین نتیجه نائل آمده که بهترین و واقع بینانه ترین نظریه، محصول ساخت بشری و نیز هوش مصنوعی را به منزله حیوان دانستن، می باشد.

کلیدواژه ها: هوش مصنوعی، مسئولیت مدنی، دعاوی اداری، دادگاه های اداری.

۱. مربی، مؤسسه امام خمینی (ره)، ایران، mohammad.jalili.sh72@gmail.com

۲. مؤسسه هدی، جامعه الزهراء (علیها السلام)، mhmdjlyly80@gmail.com

۳. استادیار مؤسسه امام خمینی (ره)، ایران، am42476@gmail.com

مقدمه

بدون تردید یکی از محصولات ارزشمند پیشرفت و توسعه علم در جهان معاصر حوزه فناوری و امور مرتبط به فضای مجازی می‌باشد. امروزه فناوری‌های نوین نیازهای فردی و اجتماعی انسان را به سادگی قابل دسترس کرده‌اند. به‌عنوان نمونه سابقاً نقل و انتقال مبالغ زیاد از ثمن و نیز محاسبه آنها افزون بر هدر رفت ساعت‌ها وقت و انرژی، همواره در معرض خطرات ناشی از سرقت، زوال و امثال آن می‌بودند؛ اما در جهان معاصر ضمن اینکه کسی راضی بدان شیوه نمی‌شود اساساً آنگونه سبک‌ها نوعی نابخردی و برگشت به عقب تلقی می‌شود. از این رو هر چقدر در حوزه‌های مختلف پیشرفت‌های فناوری بیش‌تر باشد نیاز روزافزون انسانها و تغییر در سبک زندگی‌ها بیش‌تر می‌شود. در این میان حقوق با عطف توجه به اینکه نقش تنظیم‌کننده روابط افراد و سازمانها در همه حوزه‌ها را ایفا می‌کند، طبعاً متأثر از تغییرات و تطورات تاریخی نیز می‌باشد. بعنوان نمونه با پیدایش زمینه و ظرفیت بیع و ایجاد رابطه‌های معاملی به انواع مختلف و متفاوت آن در فضای مجازی، ظرفیت بحث‌های حقوقی برای تنظیم این مناسبات پدیدار شد. بدین سان با عطف توجه به بکارگیری هوش مصنوعی در امور مختلف از سوی کاربران و شهروندان و در نتیجه وقوع اختلافات حاصل از بکارگیری و بعضاً خسارات وارد شده، نظام مند کردن استفاده از هوش مصنوعی امری ضروری به نظر می‌رسد. در این میان دادگاه‌های اداری که با استفاده از آن اقدام به حل دعاوی اداری می‌نمایند و در این راستا ممکن است به هر دلیلی دچار خطا و در نتیجه وقوع خسارت و ضرری بر یکی از متداعیین گردد. (در صورتی که موضوع دعوا تخلف نباشد و بلکه اختلاف باشد)، وظیفه دارند ضمن تهیه اصول و ضوابط بکارگیری آن، موجبات آموزش لازم برای بهره‌وری از آن را برای کاربران و کارمندان خود فراهم آورند تا از وقوع خسارات به متداعیین جلوگیری به عمل آید. این نوشتار با ارائه برخی مطالب مقدماتی، به بررسی مسئولیت مدنی دادگاه‌های اداری در ارتباط با تمامی نظریات مطرح شده درباره ماهیت هوش مصنوعی می‌پردازد و این موضوع را با روش توصیفی-تحلیلی مورد تحلیل قرار می‌دهد. در این مسیر، ضمن اشاره به نظریات مختلف پیرامون ماهیت هوش مصنوعی، میزان مسئولیت و نهاد مسئول را از منظر حقوقی مورد کنکاش قرار می‌دهد. در این راستا، برخی از تحقیقات پیشین که به صورت کلی به مسئولیت مدنی پرداخته‌اند، مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ اما این تحقیق از آن جهت متمایز است که وجود یا عدم وجود مسئولیت برای بکارگیرنده هوش

مصنوعی را بر اساس نظریات مختلف درباره ماهیت هوش مصنوعی بررسی می‌کند. همچنین، برخلاف تحقیقات گذشته که به صورت کلی و عام به مسئولیت مدنی پرداخته‌اند، این نوشتار با تمرکز ویژه بر دعاوی اداری، مسئولیت‌های دادگاه‌های اداری را به عنوان محور اصلی بحث مورد بررسی قرار می‌دهد.

گفتار اول. مفهوم شناسی

در ابتدای ذکر مطالب و محتویات باید واژه‌های کلیدی و مهم عنوان نوشتار حاضر مورد کنکاش مفهومی و تعریفی واقع شود که ذیلا هر کدام به صورت خلاصه مورد بحث قرار می‌گیرند:

بند اول. مفهوم مسئولیت مدنی

در کتب فقهی و حقوقی تعاریف مختلف با ادبیات و بیان‌های مختلف برای مسئولیت مدنی ذکر شده است و لکن معنا و روح همه تعاریف، یکی می‌باشد. بر این اساس مسئولیت مدنی به معنای ملزم ساختن افراد جامعه است به جبران ضرری که به افراد دیگر، یا به اموال و حیوانات وارد می‌گردد^۱. بدیهی است که افراد را ملزم می‌سازند که در برابر ضرر وارد ساختن بر اموال دیگران و یا حیوانات دیگران مسئول باشند و الا چنانچه خود مالک باشند مسئولیت معنایی ندارد و الزام به مسئولیت معقول نمی‌باشد. ضمن اینکه ضرر و زیان وارده اعم از این است که مستند به شخص ضرر زننده و یا اشخاص وابسته به وی و یا اموال تحت تصرف وی باشد.

بند دوم. مفهوم هوش مصنوعی

هوش مصنوعی مفهومی نوین و دارای ابعاد مختلف و متفاوت می‌باشد. هوش مصنوعی واجد شاخه‌های متنوع در موضوعات یادگیری و ادراک می‌باشد. بدین سان درباره ماهیت و چیستی آن تعاریفی بر حسب رویکردهای متفاوت بیان شده است. بر اساس تفکر انسان گونه هوش مصنوعی را «تلاش جذاب و جدید برای وادار کردن رایانه به تفکر» نامیده‌اند. البته به موجب این رویکرد برای اینکه یک برنامه رایانه ای به مانند انسان تفکر و تامل کند، باید روش و طرز تفکر انسانی به صورت

۱. محمد تقی جعفری تبریزی، رسائل فقهی (علامه جعفری)، مؤسسه منشورات کرامت، تهران - ایران، اول، ۱۴۱۹ ه.ق، ص ۲۶۷.

عمیق شناخته شود که در این راستا روش‌هایی نظیر تلاش برای ثبت فرایند تفکر خود، از طریق آزمایش‌های روان‌شناسی و تصویر برداری مغزی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. کما اینکه به موجب رویکرد عمل انسان‌گونه هوش مصنوعی به معنای «هنر خلق ماشین‌هایی که اعمالی را انجام می‌دهند که انسان برای انجام آنها به هوشمندی نیاز دارد» می‌باشد. و نیز مطابق رویکرد تفکر عقلانی هوش مصنوعی به معنای «مطالعه قدرت ذهنی با استفاده از مدل‌های رایانشی و یا مطالعه رایانش‌هایی که ادراک، استدلال و اقدام را امکان‌پذیر می‌سازد» می‌باشد.^۱ برخی دیگر هوش مصنوعی را به هر برنامه سخت‌افزاری و یا نرم‌افزاری که از خود رفتاری هوشمندانه نشان می‌دهد، تعریف کرده‌اند. به عنوان نمونه امروزه برخی از برنامه‌های کامپیوتری قادر بر استدلال به واسطه قیاس بوده و بر اساس آزمون و خطا می‌آموزند و یا محیط اطراف خود را درک می‌کنند که همه این موارد، جلوه‌هایی از هوشیاری و هوش مصنوعی می‌باشد.^۲ براساس همه رویکردهای مذکور هوش مصنوعی نوعی شباهت‌سازی انسانی از طریق بهره‌وری از خصیصه متمایز انسان یعنی قدرت تعقل و تفکر می‌باشد. بدین سان سازنده هوش مصنوعی باید احاطه و شناخت هوش انسانی را به کامپیوتر آموزش دهد تا بتواند بر اساس توانایی یک انسان ورودی و داده‌های خود را پردازش و به موقع نیاز تصمیم‌گیری نماید. از این رو همان طوری که انسان با محیط پیرامونی خودش برای دریافت ورودی‌ها و اطلاعات نیازمند برقراری رابطه است، هوش مصنوعی نیز باید به وسیله شبیه‌سازی بتواند این مسیرها را طی نماید.^۳

بند سوم. مفهوم دعاوی اداری

دعای اداری به مجموعه‌ای از اختلافات، شکایات یا دعاوی حقوقی اشاره دارد که در رابطه با اعمال، تصمیمات یا ترک فعل‌های نهادهای اداری یا مقامات دولتی مطرح می‌شوند. در این نوع

۱. استوارات جیل راسل، پیترو نوروگ، مترجمین: راحتی، سعید، غفوری، مجید، رویکردی نوین در هوش مصنوعی، دانشگاه صنعتی سجاد، مشهد، ۱۳۹۴، ص ۲۴.

۲. تخشید، زهرا، مقدمه‌ای بر چالش هوش مصنوعی در حوزه مسئولیت مدنی، حقوق خصوصی، دوره ۱۸، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ۲۲۷-۲۵۰، ص ۲۳۰.

۳. علی‌ولی پور، محسن اسماعیلی، امکان‌سنجی مسئولیت مدنی هوش مصنوعی عمومی ناشی از ایجاد ضرر در حقوق مدنی، فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر، دوره دوم، شماره ششم، پاییز ۱۴۰۰، ص ۳.

دعاوی، معمولاً یکی از طرفین موضوع دولت، سازمان‌های دولتی، یا نهادهای عمومی است و طرف دیگر اشخاص حقیقی یا حقوقی هستند که از تصمیمات یا عملکرد این نهادها متضرر شده‌اند. در این بین سازمانها و ارگانهای اداری که وظیفه ارائه خدمات عمومی و تامین امنیت را عهده دار می‌باشند،^۱ ممکن است با این امر مواجهه شوند چه اینکه شهروندان از تحقق خدمتی راضی نبوده و یا گاهی کارمندی مدعی عدم استیفاء حقوق خود از سوی اداره شده و بسیاری از موارد مشابه اینگونه ای که بحث از دعاوی اداری را روشن می‌نماید. رابطه ای که اداره با شهروندان دارد ممکن است برخی از موارد به تقابل و تنش بین کارمند اداره و شهروندی و یا بین شخص حقوقی اداره با کارمندان یا شهروندان منتهی گردد که همه این موارد مصادیق بارز از دعاوی اداری می‌باشد. در این جهت دیوان عدالت اداری به موجب اصل ۱۷۳ قانون اساسی عهده دار رسیدگی به شکایات های اداری می‌باشد. در تفکیک دعاوی که می‌توانند در دیوان مطرح شوند نسبت به دعاوی دیگری که نمی‌توان در دیوان مطرح کرد، باید به ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری رجوع کرد که بر اساس آن صلاحیت و حدود اختیارات دیوان به قرار زیر است:

۱. رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از:

الف) تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها

ب- تصمیمات و اقدامات ماموران واحدهای مذکور بند الف) در امور راجع به وظایف آنها

۲. رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) قانون شهرداری‌ها منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها.

۳. رسیدگی به شکایات قضات و مشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مستخدمان واحدها و مؤسسات مذکور در بند (۱) و مستخدمان مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها محتاج ذکر نام است اعم از لشکری و کشوری از حیث تزییع حقوق استخدامی.

بر این اساس مواردی که در صلاحیت دیوان عدالت اداری محسوب می‌شود، در زمره دعاوی اداری می‌باشد.

۱. امامی، محمد، استوارسنجری، کوروش، حقوق اداری، نشر میزان، چاپ ۲۹، ۱۴۰۲، صص ۳۶ و ۱۴۶.

بند چهارم. مفهوم بکارگیری هوش مصنوعی در حوزه دعاوی اداری

استفاده از هوش مصنوعی در دعاوی اداری به این معنا است که دادگاه‌های اداری در فرآیند دادرسی از این فناوری بهره ببرند. کاربرد هوش مصنوعی در دادگاه‌های اداری، مشابه دادگاه‌های عادی، به روش‌ها و موارد متنوعی امکان‌پذیر است. به‌عنوان مثال، دادگاه‌های اداری می‌توانند با کمک هوش مصنوعی پرونده‌های الکترونیکی ایجاد کنند. در این فرآیند، هنگام ثبت دادخواست‌ها و شکایات، بایگانی‌ها اسناد مربوطه را اسکن می‌کنند تا برای اولین بار فایل‌های الکترونیکی تولید شود. سپس اطلاعات پرونده شناسایی شده و با استفاده از برنامه‌های هوشمند در دسترس عموم قرار می‌گیرد.^۱ علاوه بر آن ممکن است در مقام مشورت از آن استفاده شود. در این حالت، هوش مصنوعی به‌عنوان ابزاری برای کمک به تصمیم‌گیری قاضی یا تیم قضایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این سیستم‌ها معمولاً داده‌ها و اطلاعات حقوقی مرتبط را تحلیل می‌کنند، احکام مشابه را پیشنهاد می‌دهند یا پیش‌بینی‌هایی درباره نتیجه پرونده‌ها ارائه می‌دهند. این نوع استفاده را می‌توان نوعی حمایت از تصمیم‌گیری انسانی دانست که همچنان مسئولیت نهایی بر عهده قاضی باقی می‌ماند. و در واقع از محل بحث خارج می‌باشد. بسیاری از دادگاه‌های سراسر دنیا از این نوع فناوری برای بررسی سریع‌تر پرونده‌ها یا تحلیل قوانین بهره می‌برند. همچنین ممکن در مقام صدور رأی از آن استفاده شود. در این حالت، هوش مصنوعی ممکن است کاملاً وارد فرآیند تصمیم‌گیری شود و وظیفه صدور رأی یا تنظیم آن را بر عهده بگیرد. چنین کاری معمولاً در دادگاه‌های اداری یا مواردی که قوانین به صورت دقیق و روشن مشخص هستند (مانند جرایم مشخص مالی یا تخلفات اداری) قابل انجام است. افزون بر این موارد، کاربرهای دیگری از قبیل؛ مدیریت پرونده‌ها و امور اداری، تشخیص و پیش‌گیری از تخلفات، آموزش قضات و کارکنان می‌توان برای کارایی هوش مصنوعی در دادگاه‌های اداری ذکر کرد. بحث اینجا متمرکز بر مواردی است که هوش مصنوعی نقش مشورتی صرف نداشته باشد یا هیچ ارتباط مستقیمی با تصمیم نهایی دادگاه پیدا نکند. مقصود در نوشتار حاضر، موقعیت‌هایی است که از هوش مصنوعی در فرآیند صدور رأی نهایی دادگاه استفاده شده و این فناوری به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر نتیجه نهایی رأی تأثیر گذاشته باشد. به عبارت

۱. امیررضا محمودی، مریم بحرکاملی، هوش مصنوعی و تأثیر آن بر سیستم قضایی، تمدن حقوقی، دوره ۶، شماره ۱۸، زمستان ۱۴۰۲، ص ۶۱.

دیگر، موضوع بررسی، مواردی است که نقش هوش مصنوعی فراتر از صرف تحلیل‌های جانبی بوده و بر تعیین حق و تکلیف طرفین دعوا یا نتیجه دادرسی اثر جدی داشته است. این امر اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا در چنین مواردی مسئولیت مدنی پیچیده‌تر می‌شود؛ به‌ویژه زمانی که خطای هوش مصنوعی موجب بروز آسیب یا ضرر به یکی از طرفین دعوا شود.

گفتار دوم. تاریخچه هوش مصنوعی

اولین کارها در زمینه هوش مصنوعی توسط مک کالو و والتر پیتر صورت گرفته است. در سال ۱۹۵۱ دو دانشجو ریاضی پرینستون موفق به ساخت اولین رایانه عصبی شدند که با بکارگیری ۳۰۰ لامپ خلأ مازاد سازوکار خلبان خودکار یک هواپیمای بمب افکن را شبیه سازی کرده و هیئت داوران در این باره که نوع فعالیت در زمره ریاضیات گنجانده شود، تردید داشتند در این جا فون نیومن چنین نظر داد که اگر الان نتوان آن را با ریاضی مرتبط دانست لکن روزی مرتبط خواهد شد. دانشگاه پرینستون یکی دیگر از افراد تاثیرگذار در هوش مصنوعی یعنی جان مک کارتی را نیز معرفی کرده است. وی پس از فارغ التحصیلی در سال ۱۹۵۱ و دو سال کار به عنوان استاد به کالج دارتموت رفت که بعدها به محل تولد رسمی این رشته تبدیل شد. اولین استفاده از واژه هوش مصنوعی توسط او صورت گرفت. در اولین سالهای ساخت هوش مصنوعی موفقیت خوبی کسب کرد و بسیاری از مشکلات غیرقابل مهار را توسط هوش مصنوعی حل کردند. ابتدا نمونه‌های ضعیفی از آن برای پژوهش ساخته شد که تحت عنوان پژوهش‌های هوش مصنوعی مطرح شده بود و بعد ها این نسخه ساده به یک صنعت مهم مبدل شد. و در سالهای اخیر هوش مصنوعی در محتوا و روش شناسی فعالیت‌های خود شاهد پیشرفت‌های درخور توجه و انقلاب گونه بوده است.^۱

گفتار سوم. مبانی مسئولیت مدنی

حقوقدانان برای مسئولیت مدنی مبانی را ذکر کرده اند که به جهت ارتباط نزدیک با موضوع نوشتار حاضر، ذیلا هر کدام از آنها به صورت خلاصه مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱. استوارات جیل راسل، پیتر نورویگ، مترجمین: راحتی، سعید، غفوری، مجید، رویکردی نوین در هوش مصنوعی، دانشگاه صنعتی سجاد، مشهد، ۱۳۹۴، ص ۴۵-۵۰.

بند اول. نظریه تقصیر

به موجب این نظریه مسئولیت مدنی واجد قلمرو معین و مضیق بوده بدین معنا که اگر عامل واقعه زیان بار مرتکب خطا و اشتباهی بشود و بدین سبب کنشی غیر متعارف و غیر معمولی را انجام دهد و به موجب آن به دیگران خسارتی وارد آید، ملزم به جبران خسارت خواهد بود. بدین سان در مسئولیت مدنی عملکرد عامل حادثه زیان بار را با رفتارها و اعمال متداول و متعارف اشخاص محتاط و دقیق مورد قیاس قرار داده و چنانچه عامل و مالک شیء ضرر زننده مثلاً احتیاطات لازم را مراعات نموده باشد و در این راستا مرتکب تقصیری نشده باشد ضامن خسارات وارده نخواهد شد.^۱ این در واقع اساس نظریه فوق، و تفسیر و تحلیلی برای تقصیر می باشد. یعنی برای احراز مسئولیت مدنی، اثبات تقصیر شرط اساسی بوده که رهگذر مقایسه آن با کنش و رفتار افراد محتاط امکان پذیر می باشد.

به موجب ماده ۹۵۳ قانون مدنی ایران تقصیر اعم از تعدی و تفریط می باشد. تعدی به حسب ماده ۹۵۱ قانون مدنی تجاوز از حدود اذن و یا متعارف نسبت به مال و یا حق دیگری است همچنان که تفریط بر اساس ماده ۹۵۲ عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم می باشد. به بیان روان تر تعدی عبارت از فعلی است که شخص برای مصون ماندن شیء باید ترک نماید و تفریط عکس آن، به این معناست که شخص برای حفظ و نگهداری شیء باید یک سری اقداماتی را انجام دهد و حال آنکه از آنها صرف نظر نماید. به عنوان نمونه رانندگی با سرعت غیر مجاز تعدی محسوب می شود چه اینکه ترک سرعت غیر مجاز امری لازم می باشد و در طرف مقابل سهل انگاری در تعمیر وسیله نقلیه و در نتیجه وقوع خسارت تفریط محسوب می شود. چنانچه ماده ۳۳۶ قانون مدنی نیز تقصیر را اعم از بی احتیاطی و بی مبالائی و عدم مهارت و مراعات اصول مرتبط به آن می داند. تطبیق نظریه تقصیر در محل بحث به میزان استفاده از هوش مصنوعی برای حل دعاوی بستگی دارد بدین معنا که آیا بکارگیری از هوش مصنوعی امری متداول و رایج و بلکه لازم است یا اینکه هنوز بدان مرحله نرسیده و استفاده از آن امری شخصی و اختیاری می باشد. بر اساس وجه اول در صورت استفاده از هوش مصنوعی و حتی اشتباه و خطا از سوی آن، اثبات تقصیر به دشواری زیاد همراه است و این در حالی است که به موجب وجه دوم، اثبات تقصیر بسیار سهل می باشد.

۱. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی، قواعد فقهیه (بجنوردی، سید محمد) ج ۱، مؤسسه عروج، تهران - ایران، سوم، ۱۴۰۱ ه.ق، ص ۱۹۹.

بند دوم. نظریه خطر

به موجب این نظریه به مجرد اینکه به دیگری ضرری وارد آید باید تدارک شود چه اینکه هدف از مسئولیت مدنی اثبات تقصیر نیست بلکه بر اساس این دیدگاه، فرد یا نهادی که به هر دلیلی خطری ایجاد کرده، صرفاً به دلیل ارتباط میان اقدام او و زیان وارد شده مسئول شناخته می‌شود. تفاوتی ندارد عمل فاعل متضمن خطا و اشتباه باشد یا نباشد؛ چه اینکه بر اساس نظریه تقصیر بسیاری از ضررها را نمی‌توان جبران نمود. به عنوان نمونه در بسیاری از زیان‌های ناشی از تمدن جدید و توسعه زندگی ماشینی، منشأ آن ناشناخته بوده و در این صورت نظریه تقصیر نمی‌تواند وافی به مقصود باشد. مضاف بر اینکه بسیاری از اوقات آسیب دیدگان از قشرهای ضعیف و طبقات اجتماعی پایین نظیر؛ کارگران کارخانجات و عابرین پیاده بوده که از جهت اقتصادی در وضعیت نامناسبی هستند و در طرف مقابل صاحبان کارخانه‌ها و وسایل صنعتی خطر آفرین بوده که با امکانات اقتصادی بالا و بکارگیری مشاوران و وکلای زبردست به راحتی می‌توانند عدم تقصیر در ارتکاب ضررهای وارده را اثبات نموده و ذمه خود را از مسئولیت مبرا کنند. علیرغم اینکه اگر نظریه خطر ملاک و معیار قرار گیرد به مجرد اثبات رابطه عمل خطر آفرین و زیان آور بودن، مسئولیت بر ذمه فاعل ثابت می‌شود. به عبارت دیگر به موجب این نظریه صرف انتساب عمل به فاعل برای اثبات مسئولیت مدنی کفایت می‌کند.^۱ در محل بحث این نظریه نسبت به نظریه تقصیر کارآیی بیشتری دارد زیرا بهره‌وری از هوش مصنوعی برای اثبات مسئولیت مدنی در حوزه دعاوی اداری مبتنی بر عوامل متفاوتی است که در بسیاری از موارد انتساب ضرر و مقصر دانستن یکی از آنها دشوار و مشکل می‌باشد.^۲ اما به موجب نظریه خطر چنین دشواری‌هایی وجود ندارد.

بند سوم. نظریه تضمین حق

نظریه تضمین حق توسط استارک اولین بار مطرح شده و به موجب آن هر کسی که فعالیت انجام می‌دهد و آن فعالیت به‌طور ذاتی خطرآفرین است، ملزم به تضمین امنیت و جبران خسارت‌هایی

۱. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی، قواعد فقهیه (بجنوردی، سید محمد)، ج ۱، مؤسسه عروج، تهران - ایران، سوم، ۱۴۰ ه.ق، ص ۲۹۰.

۲. تخشید، زهرا، مقدمه‌ای بر چالش هوش مصنوعی در حوزه مسئولیت مدنی، حقوق خصوصی، دوره ۱۸، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ۲۲۷-۲۵۰، ص ۲۴۰.

است که از این خطر به دیگران وارد می‌شود، حتی اگر تقصیر یا قصوری از جانب او رخ نداده باشد. به نظر او نظریه خطر و تقصیر هر دو اشتباه می‌باشد به جهت اینکه دو نظریه مذکور تنها عمل زیان‌زننده را ارزیابی می‌کند و از نقش زیان‌دیده غافل شده‌اند. در نظریه تقصیر علت مسئولیت را تقصیر زیان‌زننده و در نظریه خطر جهت آن را انتفاع عامل زیان‌زننده می‌دانند و در هر دو نظریه به حق زیان دیده هیچ‌گونه توجهی نشده است علیرغم اینکه به مقتضای حقوق شهروندی همه افراد جامعه باید از همه خطرات مصون بوده و و هرکسی حق دارد که مال و جان و زندگی اش ایمن و سالم باشد^۱. به نظر می‌رسد تطبیق این تئوری بر محل بحث بهتر از دو نظریه قبلی می‌باشد چه اینکه به موجب نظریه تضمین حق متداعیین در دعاوی اداری بهتر تضمین می‌شود و آنان بدون توجه به استفاده دادگاه‌های اداری از هوش مصنوعی می‌توانند مطالبه خسارت نمایند. و از سوی دیگر دادگاه‌های اداری برای پیشبرد مسائل و حل دعاوی نهایت احتیاط و مذاقه در بکارگیری از هوش مصنوعی را به مرحله عمل در می‌آورند. چه اینکه به موجب این نظریه حق متداعیین باید در هر حالی مورد لحاظ قرار گیرد و دادگاه‌های اداری نمی‌توانند بدون آموزش کاربران خود اقدام به بکارگیری هوش مصنوعی در طریق حل منازعات نمایند.

گفتار چهارم: فلسفه جبران خسارت

جبران خسارت یکی از شاخصه‌های اصلی فلسفه وجودی حقوق مسئولیت مدنی به شمار می‌آید. خسارات بدنی شامل هر نوع دیه یا ارش ناشی از هر نوع صدمه به بدن مانند شکستگی، نقص و از کار افتادگی عضو اعم از جزئی یا کلی - موقت یا دائم، دیه فوت و هزینه معالجه است. امروزه قول مشهور حقوقدانان بر این است که اصلی تحت عنوان اصل جبران همه خسارات وجود دارد که به موجب آن پس از وقوع ضرر به عنوان یکی از ارکان تحقق مسئولیت مدنی، آن ضرر صرف نظر از نوع آن، در صورت جمع دو رکن دیگر مسئولیت (رابطه سببیت و فعل زیان‌بار) باید جبران شود و نیاز به نص قانونی خاص برای تجویز جبران خسارت در هر مورد وجود ندارد. سوال اصلی مقاله حاضر این است که آیا می‌توان قایل به وجود چنین اصلی در حوزه دعاوی اداری در مسئولیت مدنی ناشی

۱. طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی (طاهری) ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم -

ایران، دوم، ۱۴۱۸ هـ.ق، ص ۲۹۰.

از بکارگیری هوش مصنوعی شد؟ هدف مقاله، بررسی همین امر است. رویه قضایی محاکم در این خصوص، دچار آشفتگی است.^۱ برای مصادیق و جلوه‌های خسارات مثالهای زیادی از قبیل؛ آسیب‌های جسمی و روحی، تحقیر شخصیت، نقض حریم خصوصی و آزادی‌های افراد، صدمه بر عواطف و احساسات اشخاص و هتک حرمت می‌توان ذکر کرد. بدون تردید مفهوم خسارت به جهت عرفی و لغوی عام بوده و مشمول هر دو نوع خسارت مادی و معنوی می‌شود. ضمن اینکه ادله اقامه شده برای لزوم جبران خسارت اختصاص به خسارت‌های مادی ندارد بلکه شامل هر دو می‌شود. ذیلاً ادله مذکور به صورت خلاصه مورد کاوش قرار می‌گیرد:

۱- اصل تقصیر به مفهومی عام که به موجب آن هر شخصی در اثر رفتار نامتداول و بدون مجوز خود سبب ضرر بر دیگری گردد در مقابل زیان دیده مسئولیت مدنی داشته و ملزم است خسارت مذکور را تدارک نماید.

۲ اصل لاضرر که به موجب آن هیچ ضرر نامشروعی نباید بدون تدارک باقی بماند. این اصل از اصول عقلانی و مسلم در حقوق اسلام می‌باشد. مشهور فقهاء و حقوقدانان از آن برای نفی ضرر استفاده نموده‌اند. برخی از فقهاء به مانند شیخ انصاری جمله لاضرر و لاضرار را بر حکم ضروری حمل کرده^۲ و برخی دیگر همانند مرحوم آخوند در کفایه به معنای نفی حکم به لسان نفی موضوع دانسته‌اند.^۳ و عده‌ای دیگر همچون مرحوم نراقی آن را بصورت نهی از ضرر معنا کرده و معتقدند چنین نهی، نهی الهی محسوب می‌شود. صحت نظریه نهی بعید به نظر نمی‌رسد زیرا، روایت «انك رجال مضار...» ظاهراً در همین معنی بوده و بعضی از اعظام معاصرین رضوان الله تعالی علیه نیز همین معنی را پذیرفته با این تفاوت که نهی در آن را نهی الهی ندانسته بلکه نهی در آن را نهی سلطانی می‌دانند.^۴ و مرادشان از نهی سلطانی این است که نهی پیامبر از اضرار به انصاری و حکم به قلع نخل سمره از وظایف حکومت و زعامت رسول گرامی اسلام (ص) بوده و رسول بما انه حاکم،

۱. نورالله شاهرخی، حبیب الله رحیمی، بررسی اصل جبران همه خسارات از حیث انطباق با مبانی وحدت‌گرا در حوزه فلسفه مسئولیت مدنی، مطالعات حقوقی دوره سیزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، ص ۳.

۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین، فرائد الأصول - قم، چاپ: نهم، ۱۴۲۸ ق، ص ۴۶۱.

۳. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایه الأصول (طبع آل البيت) - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۸۱.

۴. شوشتری، سید محمد حسن مرعشی، دیدگاه‌های نو در حقوق، ج ۱، نشر میزان، تهران - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه. ق، ص ۱۹۰.

حق دارند که چنین حکمی را صادر فرمایند، تا در حوزه حکومتش کسی بر کسی دیگر ضرر وارد نیاورد. بهر حال و به موجب استظهار مختار برای تقریب حدیث شریف «لاضرر»، می‌توان یک قاعده کلی استخراج کرد و آن این است که هیچ کس نباید به دیگر ضرری وارد نماید و وقوع ضرر بر دیگر امری قبیح می‌باشد و در این باره بین طرفین تفاوتی وجود ندارد یعنی اعم از اینکه طرفین خود مردم باشند و بر یکدیگر ضرری را وارد نمایند و یا اینکه یک طرف شارع مقدس باشد. به عبارت بهتر ضرر نباید موجود گردد و اگر کسی آن را بوجود بیاورد باید فوراً رفع نماید و بر این اساس دلیل نفی ضرر مختص احکام یا موضوعات ضرر نبوده بلکه مشمول هر دو می‌شود.

۳- عقل و منطق حقوقی ایجاب می‌کند که هر کس بر دیگری زیان و ضرری وارد نماید باید آن را تدارک و جبران نماید.

۴- قواعد اتلاف، تسبیب و عسر و حرج نیز به لزوم جبران خسارت به طور مطلق دلالت دارند. با عطف توجه به معنای وسیع و کلی برای نفی حرج هر حرجی ممنوع می‌شود و روشن است که اگر کسی خسارت مالی یا بدنی بر دیگری وارد نماید و در این راستا قادر بر تدارک خسارات وارد آمده نباشد و وی را در معرض ضیق و تنگی قرار دهد از نظر شارع مقدس محظور و ممنوع می‌باشد. بحث مذکور از مصادیق بارز همین امر می‌باشد چه اینکه دادگاه‌های اداری برای حل دعاوی و نزاعات اداری باید بگونه‌ای به حل مسائل اقدام نمایند که در این بین به شخصی خسارتی نائل وارد نیاید؛ و چنانچه حکمی برای حل نزاع صادر نمایند که به موجب آن یکی از متداعیین را در معرض تنگی و ضیق قرار دهند، مورد نهی شارع مقدس و قوانین موضوعه می‌باشد. از این رو دادگاه‌های اداری موظفند در صورت وقوع خساراتی بر متداعیین آن را به هر نوعی از انحاء جبران نموده و در این راستا قوانین موضوعه احکام و شرائط آن را مطرح می‌نمایند.^۱

گفتار پنجم. ارکان مسئولیت مدنی در هوش مصنوعی

حقوق دانان ایرانی سه رکن را برای مسئولیت مدنی مطرح کرده‌اند که در ادامه، هر یک از این ارکان در رابطه با مسئولیت مدنی ناشی از هوش مصنوعی مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

۱. شوشتری، سید محمد حسن مرعشی، دیدگاه‌های نو در حقوق، ج ۱، نشر میزان، تهران - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه.ق، ص ۱۹۳.

بند اول. رکن ضرر

حقوق دانان برای لزوم جبران ضرر از سوی فاعل ضرر وارده، شرائطی همچون شخصی بودن، قطعی بودن، مستقیم بودن، عدم جبران در سابق و مطالبه جبران خسارت مشروع را شرط دانسته اند. بدین سان برای مسئولیت مدنی داشتن دادگاه‌های اداری در بکارگیری هوش مصنوعی، باید امکان پیش بینی ضرر وجود داشته باشد. دادگاه اداری که به جهت تسریع در امور و نیز دقت در بررسی داده‌ها و همچنین قابلیت تحلیلی فرا انسانی، هوش مصنوعی را برای حل منازعات بکار می‌گیرند، در صورت وجود و وقوع ضرر بر شهروندان باید مسئولیت آن را بپذیرند. چه اینکه بر اساس الگوریتم خاص در هوش مصنوعی و نیز قدرت تحلیلی نسبی از فرآیند طی شده حکم صادره می‌توان وقوع ضرر را پیش بینی نمود.

بند دوم. رکن ارتکاب فعل زیان بار

مسئولیت مدنی دادگاه‌های اداری در صدور رأی و حل منازعات بر اساس بهره‌وری از هوش مصنوعی مبتنی بر ارتکاب فعل زیان بار می‌باشد. در این میان بر اساس حقیقت و ماهیت هوش مصنوعی که در مباحث بعدی مورد کنکاش قرار می‌گیرد، مسئولیت مدنی دادگاه‌های اداری حالات مختلفی پیدا می‌کند. به این معنا که اگر هوش مصنوعی به مثابه کودکان و صغار در نظر گرفته شود، مسئولیت ناشی از فعل غیر برای دادگاه اداری وجود دارد کما اینکه در صورتی که هوش مصنوعی به معنای محصول انسانی و یا حیوانات بدان نگریسته شود، مسئولیت ناشی از مالکیت بر اشیاء برای دادگاه‌های اداری مطرح می‌باشد. باقی نظرات نیز به همین صورت می‌باشند. بحث مهمی دیگر که در اینجا وجود دارد این است که در صورت عدم قادر بودن پیش بینی فعل زیانبار باید میزان بکارگیری هوش مصنوعی در دادگاه‌های را مورد کنکاش قرار داد بدین توضیح که اگر استفاده از هوش مصنوعی در دادگاه‌های اداری امری طبیعی، عرفی و بلکه لازم به نظر برسد در این زمینه، اگر قاضی اداری برخلاف نظر هوش مصنوعی رای صادر کند و رای صادر شده بر اساس پردازش اطلاعات هوش مصنوعی صحیح باشد، دادگاه اداری در صدور چنین حکمی مسئول خواهد بود. در همین

۱. طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی (طاهری) ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۸ هـ.ق، ص ۳۵۲.

صورت چنانچه حکم صادره براساس هوش مصنوعی اشتباه باشد و قاضی اداری با ایتنا و استناد به آن صدور رأی نماید، دادگاه اداری ضامن نخواهد بود. و لکن چنانچه استفاده از هوش مصنوعی رایج و متداول نبوده و به عرف دادگاهی تبدیل نشده باشد، و قاضی به موجب حکم اشتباهی آن، رأیی را صادر نماید مسئول می باشد.^۱ بدین سان در وقوع فعل زیانبار باید به مقدار متداول بودن بهره وری از هوش مصنوعی نیز توجه کرد و آن را مورد بررسی قرار داد چه اینکه چنین امر مهمی نقش بسیار تعیین کننده ای در این جهت دارد.

بند سوم. رکن رابطه سببیت

به موجب این رکن باید بین تقصیر و وقوع ضرر رابطه و علاقه سببیت وجود داشته باشد که البته اثبات چنین مطلبی در هوش مصنوعی به نظر سهل و غیر دشوار می باشد. ثابت کردن رابطه سببی بین تقصیر و وقوع ضرر در زمینه هوش مصنوعی به نظر آسان می رسد، زیرا فناوری هوش مصنوعی به طور ذاتی بر مبنای داده‌ها، الگوریتم‌های پیچیده و پردازش دقیق اطلاعات عمل می‌کند. این ویژگی‌ها امکان ردیابی و تحلیل دقیق فرآیندهایی که منجر به تصمیم‌گیری‌های نادرست یا ایجاد ضرر شده‌اند را فراهم می‌کند. و به عبارت دیگر؛ با توجه به قابلیت‌های ذاتی هوش مصنوعی، از جمله شفافیت فرآیند، قابلیت ردیابی وقایع و ابزارهای پیشرفته تحلیل داده، کشف رابطه سببی میان تقصیر و وقوع ضرر در دعاوی مرتبط با هوش مصنوعی نه تنها امکان پذیر، بلکه در مقایسه با شرایطی که چنین ابزارهایی در دسترس نیست، ساده تر است.

گفتار ششم. مسئولیت مدنی در هوش مصنوعی

با توجه به اینکه هوش مصنوعی به صورت خودکار عمل می‌کند، لازم است ابعاد حقوقی آن، به ویژه مسئولیت مدنی ناشی از آن، به دقت بررسی و مشخص شود. در این راستا، می‌توان رویکردهای مختلفی را در مورد هوش مصنوعی در نظر گرفت و با تحلیل و ارزیابی هر یک از این رویکردها، مسئولیت مدنی مرتبط با آن‌ها را در دادگاه‌های اداری مورد بررسی قرار داد:

۱. تخشید، زهرا، مقدمه‌ای بر چالش هوش مصنوعی در حوزه مسئولیت مدنی، حقوق خصوصی، دوره ۱۸، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ۲۲۷-۲۵۰، ص ۲۴۱.

بند اول. هوش مصنوعی به مثابه حیوان

می‌توان به هوش مصنوعی به مثابه حیوان نگریست؛ در این فرض، هوش مصنوعی نیمه مستقل و قابل کنترل و نظارت را می‌توان به مانند حیوانات اهلی دانست و آنکه واجد نوعی خودمختاری و استقلال است را با حیوانات وحشی قیاس نمود.

در این صورت اگر ربات به مانند حیوان اهلی تحت کنترل و نظارت صاحب و مالک خود باشد در صورت وجود ارکان و شرایط مسؤلیت مدنی یعنی تقصیر و وقوع ضرر، شخص حقوقی و حقیقی استفاده کننده مسئول می‌باشد. چنانچه ماده ۳۳۴ قانون مدنی بیان می‌دارد: اگر خساراتی از ناحیه حیوان وارد بیاید، مالک یا متصرف مسئول خسارات وارد شده نمی‌باشد مگر اینکه در راستا حفظ و نگهداری از آن تقصیر کرده باشد. و چنانچه حیوان بواسطه عمل دیگری منشأ ضرری گردد فاعل آن عمل خسارات وارد را متحمل می‌شود. لکن ذکر این نکته لازم است که اگر دادگاه‌های اداری در استفاده از هوش مصنوعی ناتوان بوده و بدین سبب موجب خسارت بر یکی از متداعیین گردند نباید در حل دعاوی اداری هوش مصنوعی را بکار گیرند لذا در این حالت هر چند تقصیری نداشته باشند مسؤول بوده و باید پاسخ گو باشند چنانچه تبصره ۲ ماده ۵۲۲ قانون مجازات اسلامی در این باره می‌گوید: نگهداری هر وسیله یا شیء خطرناکی که دیگران را در معرض آسیب قرار دهد و شخص قادر به حفظ و جلوگیری از آسیب رسانی آن نباشد، مشمول حکم تبصره (۱) این ماده است. و در تبصره ۱ این ماده آمده است: نگهداری حیوانی که شخص توانایی حفظ آن را ندارد، تقصیر محسوب می‌شود. بر این اساس اطلاق تبصره ۲ مشمول بکارگیری از هوش مصنوعی نیز می‌باشد. همچنان که واژه «شخص» در تبصره ۲ نیز اطلاق دارد و شخص حقوقی یعنی دادگاه اداری و یا قاضی اداری بعنوان شخص حقوقی را در بر می‌گیرد. نکته مهم این است که باید رابطه سببی به طور دقیق مشخص شود، به این معنا که ارتباط مادی میان زیان وارد شده و عامل زیان (مثلاً حیوان) ثابت گردد. برای مثال، در مواردی مانند حمله قلبی ناشی از پارس سگ یا انتقال بیماری توسط حیوانات، لازم است که این ارتباط به طور واضح ثابت شود.^۱

۱. رجبی، عبدالله، ضمان در هوش مصنوعی، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صفحات ۴۴۹-۴۶۶، ص ۴۵۱.

بند دوم. هوش مصنوعی به مانند برده

دیدگاه دیگری می‌تواند این باشد که آن را با برده‌های سابق مورد مقایسه قرار دهد بدین معنا که به مانند اشیاء بوده که مورد ملکیت دیگران واقع می‌شود. در این راستا همانگونه که مالک برده مسئول امور و خسارات وارد شده توسط برده بوده، مالک ربات نیز چنانچه در احکام صادر از دادگاه‌های اداری مرتکب خطا و در نتیجه وقوع خساراتی بر یک طرف واقع شود، مسئول بوده و باید به موجب قانون با وی برخورد شود.^۱ در مقام بررسی این دیدگاه گفته می‌شود که این تشابه بسیار مخالف واقع می‌باشد چه اینکه برده به مانند مالک دارای ادراک و اراده بشری بوده و همانگونه‌ای که مالک تفهیم کرده را می‌تواند به صورت دقیق و موشکافانه به مرحله اجرا در آورد و ممکن است نیز در این راستا با کمی تفاوت و در نظر گرفتن خسارات بر طرف مقابل، اوامر صاحب خود را امتثال نماید. این در حالی است که ربات محصول و تولیدی دست انسان بوده و گرچه واجد نوعی خود مختاری است اما خود مختاری که بر اساس طراحی انسانی حاصل شده و فاقد اراده ذاتی اهدائی از سوی خالق انسانها می‌باشد. از این رو گرچه در اصل وجه شبهه، که وجود اراده است، با هم مشترکند و لکن منشأ و آبشخور آنها مختلف و متفاوت می‌باشد. به این معنا که یکی از روی طراحی انسانی و صنعت مدرن و پیشرفته و دیگر ناشی از خلقت ذاتی انسانی بوجود آمده است. علاوه بر این، ممکن است این موضوع در مورد دادگاه‌های اداری قابل تطبیق نباشد، زیرا دادگاه اداری تنها با پرداخت مبلغی حق استفاده و به‌کارگیری یک محصول مدرن را به دست می‌آورد، در حالی که مالک اصلی آن محصول، شخص دیگری است؛ کسی که ربات را تولید کرده یا اطلاعات لازم را به آن آموزش داده است.

بند سوم. هوش مصنوعی به منزله انسان دارای اختلال ذهنی

ربات‌های واجد هوش مصنوعی را می‌توان به انسانهای دارای اختلال ذهنی تشبیه کرد. انجمن ناتونی‌های ذهنی و رشدی آمریکا اختلال و ناتوانی ذهنی را در سه حوزه محدودیت در عملکرد ذهنی، محدودیت در کنش‌های انطباقی و سازشی با محیط و تشخیص در سالهای اولیه رشد تعریف و تبیین می‌کند افراد ممکن است در سطوح مختلف خفیف، متوسط و عمیق واجد نقیصه اختلال

۱. حکمت‌نیا، محمود-محمدی، مرتضی، واثقی، محسن، مسئولیت مدنی ناشی از تولید ربات‌های مبتنی بر هوش مصنوعی خودمختار، حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۶۰، بهار ۱۳۹۷، ص ۲۳۵.

ذهنی باشند^۱. افراد دارای اختلال ذهنی به دلیل نداشتن قدرت تعقل و ادراک کامل، توانایی تحلیل و حل مسائل و مشکلات پیش آمده را ندارند و همواره برای مواجهه با این مسائل به کمک و مهارت دیگران نیازمند هستند. این افراد به جهت پذیرفتن مطالب و مسائل به صورت خام و پخته نشده همواره با ساده اندیشی و زودباوری مواجه بوده و از تفکر منطقی و تحلیلی همراه با استدلال و دلیل بی بهره می باشند^۲. به نظر می رسد تشبیه ربات به انسان دارای اختلال ذهنی صحیح نمی باشد چه اینکه در هوش مصنوعی همان طوری که در تعریف آن گذشت فرض این است که به واسطه شباهت سازی، نوعی اراده و ادراک بدون عیب و نقص پیدا کرده است. البته چنانچه در سیستم سخت افزاری و یا حتی نرم افزاری ربات نوعی عیب به مانند سوختن فیوز و یا اختلال برقی ایجاد بشود ممکن است ربات نوعی اختلال در عملکرد پیدا کند و از این جهت نوعی شباهت با انسان واجد اختلال ذهنی به وجود بیاید و لکن این فرض اولاً خارج از محل بحث است زیرا موضوع مورد بحث رباتی است که با تمامی اجزا و شرایط خود به طور کامل و صحیح عمل می کند و خطاهای ناشی از چنین رباتی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. ثانیاً اختلال در ربات گاهی ممکن است آن را فاقد ادراک انسانی حتی در مرحله ضعیف بنماید و در این صورت ربات به مانند یک موجود بی جان و شیء خارجی تلقی می شود. بدین سان نظریه مذکور باطل و خطا بوده و نمی تواند ما را در وصول به هدف خویش یعنی مسؤلیت مدنی، رهنمون سازد.

بند چهارم. هوش مصنوعی به منزله کودکان و صغار

رویکرد دیگر این است که هوش مصنوعی و ربات به مانند کودکان و صغار دانسته شود یعنی همانطور که کودکان تحت نگهداری و کنترل ولی و سرپرست هستند، ربات ها نیز بوسیله مالک و تولید کننده خود نگهداری می شوند. وجه شبه کودکان و ربات ها خود مختاری و تعقل پایین می باشند. ربات ها با توجه به وجود الگوریتم های خاصی در آنها قادر به تعلیم و آموزش بوده و در این مورد به مانند کودک قابلیت رشد و استفاده از تجربیات را دارند. لذا بحث های مرتبط با

۱. قمرانی، امیر، محمدزاده، عادل، اثربخشی مداخله مبتنی بر گریز-خاموشی بر اختلالات تغذیه‌ای کودکان با ناتوان ذهنی، مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایران (نشریه پرستاری ایران)، دوره ۳۰، شماره ۱۱۰، اسفند ماه ۱۳۹۶-۸۷، ص ۷۹.

۲. هداوندخانی، فاطمه، بهداشت روانی در افراد عقب مانده ذهنی، مجله تعلیم و تربیت استثنایی، ش ۷۸، تابستان ۱۳۷۸، ص ۶۲.

مسئولیت مدنی در باره کودک در محل بحث نیز جریان پیدا می‌کند بر این اساس به موجب قانون هر شخصی که وظیفه نگهداری و کنترل وی را بر عهده دارد مسئول خسارات وارده از سوی وی نیز می‌باشد.^۱ در تبصره ماده ۵۱۹ قانون مجازات اسلامی آمده است: هرگاه دیوار یا بنایی که ساقط شده متعلق به صغیر یا مجنون باشد ولی او ضامن است و اگر بنای مذکور از بناهای عمومی و دولتی باشد، متولی و مسئول آن ضامن است. در صورت پذیرفتن رویکرد تشابه هوش مصنوعی به کودک همین بحث درباره خطای هوش مصنوعی نیز قابل طرح می‌باشد. ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی در این باره بیان می‌دارد: کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد بعهدده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید بنحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده نباشد. بر این اساس دادگاه‌های اداری در صورت بکارگیری هوش مصنوعی و ربات در صدور احکام و در نتیجه وجود خطای تقصیری و وقوع خسارات بر یکی از متداعیین مسؤول بوده و باید به موجب قوانین جبران خسارت نماید.

در مقام ارزیابی این رویکرد اینطور گفته می‌شود: که گرچه تشبیه هوش مصنوعی به کودک از جهاتی صحیح می‌باشد و لکن با عطف توجه به وجود افعال خاص و با قدرت تعقل بالا از سوی ربات‌ها و هوش مصنوعی چنین تشبیهی واقع بینانه نیست. البته ربات‌های در طبقه ضعیف و دارای قدرت ادراکی ضعیف را می‌تواند با کودکان تشبیه کرد و لکن دادگاه‌های اداری در مقام حل منازعات و خصومات اداری از چنین نوعی بهره نمی‌گیرند و در صورت استفاده از چنین نوع از ربات‌ها طبعاً مسئول جبران خسارات ناشی از آن می‌باشند. برخی در مقام اشکال بر نظریه مذکور گفته‌اند: ربات‌ها بر خلاف صغار قابلیت دارا شدن حق و تکلیف را ندارند.^۲ که به نظر می‌رسد برای تشابه ربات به کودکان و صغار وجود قابلیت برای حق و تکلیف واقع شدن ضروری نمی‌باشد و بلکه مهم وجود وجه تشابه در میان آن دو می‌باشد.

۱. صفایی، سیدحسین، افضل‌ی مهر، مرضیه، مسئولیت مدنی سرپرستان در قبال اعمال زیان‌آور کودکان، بررسی تطبیقی و تحلیلی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۶۷، ۱۳۹۳، ص ۲.

۲. حکمت‌نیا، محمود-محمدی، مرتضی، واتقی، محسن، مسئولیت مدنی ناشی از تولید ربات‌های مبتنی بر هوش مصنوعی خودمختار، حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۶۰، بهار ۱۳۹۷، ص ۲۳۶.

ممکن است گفته شود با توجه به اینکه مالک و سازنده هوش مصنوعی اطلاعات را به او داده و دادگاه اداری یا قاضی بکارگیرنده، مالک نیست و صرفاً از آن استفاده می‌کند و هیچ‌گونه اطلاعاتی به او نداده تا بخواهد ضامن آن باشد. در جواب گفته می‌شود گرچه این کلام صحیح است و دادگاه یا قاضی اداری صرفاً استفاده کننده است و مالک اصلی اطلاعات را به هوش مصنوعی داده و لکن از آنجایی که دادگاه اداری سبب بوده و سبب در اینجا اقوی از مباشر می‌باشد، دادگاه اداری ضامن می‌باشد. چنانچه به موجب ماده ۳۳۲ قانون مدنی: «هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود مباشر مسئول است نه مسبب مگر این که سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.»

ذکر این نکته لازم است که در محل بحث چنانچه دادگاه‌های اداری مجوز استفاده از هوش مصنوعی در فرآیند دادرسی را بدانند و در این مسیر هوش مصنوعی خطا نماید مسئولیت متوجه دادگاه می‌باشد و نه شخص قاضی؛ چه اینکه قاضی در بکارگیری آن خطایی انجام نداده و وقوع خطا صرفاً به جهت اشتباه محاسباتی هوش مصنوعی می‌باشد. چنانچه بنابر اصل ۱۷۱ قانون اساسی: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود...» در اینجا قاضی تقصیری ندارد تا مسئولیت متوجه وی گردد. بر خلاف زمانی که احراز شود خطا از سوی قاضی بوده، به عنوان نمونه قاضی به طور صحیح سوال و مسئله را با ربات مطرح نکرده بود، مسئولیت متوجه قاضی می‌باشد. همچنین در جایی که دادگاه مجوز استفاده از هوش مصنوعی در فرآیند دادرسی را به قضات نداده باشد و لکن آنها از آن استفاده کنند و در این مسیر هوش مصنوعی خطا نماید، آثار حقوقی ناشی از آن بر عهده خود قاضی می‌باشد. چنانچه ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و موسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت برعهده اداره یا موسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود...»

بند پنجم. هوش مصنوعی به مثابه شخص حقوقی

رویکرد دیگر درباره هوش مصنوعی این است که به مثابه شخص حقوقی دانسته شود، شخص حقوقی عبارت است از گروهی از افراد، انسان یا منفعتی از منافع عمومی که قوانین موضوعه آن را در حکم شخص طبیعی و موضوع حقوق و تکالیف افراد قرار داده باشد.^۱ ربات‌ها نیز با توجه به اینکه واجد سطحی از خودمختاری هستند و می‌تواند به موجب درکی که از محیط اطراف خود دارند، و نیز به میزانی که توانایی بر تحلیل داده‌ها دارند، می‌توانند تصمیم بگیرند و در این راستا به مانند شخص حقوقی هستند که می‌تواند طرف حق و تکلیف واقع شود، مالیات بپردازد، و این امور را به واسطه عامل انسانی انجام می‌دهند. بر اساس این نظریه عامل انسانی شخص حقیقی است که هیچ مسئولیتی در قبال اقدامات و خسارات وارده از سوی ربات را ندارد و صرفاً امور و اقدامات مرتبط به آن را اجرا می‌کند. بعنوان نمونه مدیرعامل یک شرکت خسارات وارد شده توسط شرکت را از دارایی خودش پرداخت نمی‌کند بلکه از اموال متعلق به شرکت می‌پردازد و در این راستا هیچ‌گونه مسئولیتی عائد وی نمی‌گردد. بر این اساس با پذیرفتن این نظریه برای دادگاه‌های اداری استفاده کننده از هوش مصنوعی مسئولیت مترتب نمی‌شود بلکه تمام خسارات به شخص حقوقی ربات بر می‌گردد. در مقام ارزیابی این نظریه اشکال مهمی وجود دارد و آن این است که در صورت شخص حقوقی دانستن ربات‌ها تولیدکننده، مالک و کاربر هیچ‌گونه مسئولیتی ندارند و تمام آن به شخص حقوقی بر می‌گردد و حال آنکه اشتباه و خطا رخ داده از ربات چه بسا به موجب نقص در کار تولیدکننده و یا استفاده نادرست توسط کاربر باشد. همچنین اموال و دارایی ربات از چه راهی و با چه مکانیزمی حاصل می‌شود؟ و در این راستا وانگهی ضرر اتفاق افتاده به حدی است که ربات توانایی پرداخت چنین هزینه‌ای را نداشته باشد و در این صورت تناسب بین ضرر و میزان جبران خسارت وجود نخواهد داشت. افزون بر همه اشکالات مذکور اساساً چنین نظریه‌ای خلاف فهم همه کاربران آگاه و مجرب فضای مجازی و هوش مصنوعی بوده و پذیرش آن بسیار غریب می‌باشد.

بند ششم. هوش مصنوعی به مانند محصول ساخته شده بشری

برخی نیز هوش مصنوعی را به مثابه محصول ساخته شده صنعت و تکنولوژی انسانی دانسته‌اند به این معنا که قابلیت دارا شدن حق و تکلیف را ندارد. مسئولیت دادگاه‌های اداری در اینجا ناشی از

۱. محمدجعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۸۳، ص ۳۷۸.

نگهداری و مالکیت ربات‌ها و هوش مصنوعی می‌باشد؛ چنانچه سابقاً در فرع مثابه حیوان بودن هوش مصنوعی به موجب ماده ۳۳۴ قانون مدنی مورد بررسی قرار گرفت. در این صورت بر مبنای تقصیر متصرف و صاحب شیء به اندازه تقصیر در زیان وارده مسئولیت مدنی دارد و دادگاه اداری بکارگیری شان از هوش مصنوعی و ربات به مثابه استفاده از یک شیء بوده و تمام مسئولیت آن با وجود شرایط، عائدشان می‌گردد. ضمن اینکه عموماً خسارات وارده از طرف شیء صورت می‌گیرد و کمتر موردی یافت می‌شود که شیء در آن دخالت نداشته باشد که در این صورت مالک و متصرف در شیء ضامن و مسئول خسارات وارد آمده می‌باشند.

به نظر می‌رسد با نگاه واقع بینانه هوش مصنوعی را نوعی محصول انسانی دانستن قابل پذیرش می‌باشد. چه اینکه اولاً؛ خودمختاری، هوشیاری نسبی و توانایی‌های طبقه‌بندی شده آن، دست‌ساخته و اعطای انسان است و بخشی از ذات آن به شمار نمی‌رود. و هرگاه در اثنای تولید و نصب قطعات از سوی سازنده خطایی اتفاق بیفتد ربات و هوش مصنوعی از درجه اعتبار ساقط و توانایی انجام هیچ‌گونه فعالیتی را نخواهد داشت. ثانیاً؛ بارد نظریه شخص حقوقی بودن و اختلال ذهنی انسانی که بسیار غرابت با حقیقت هوش مصنوعی دارد، اثبات این نظریه بعید نمی‌باشد.

نتیجه

گسترش فناوری‌های نوین و تسریع در انجام امور انتظارات شهروندان را نسبت به تسریع در عملکرد نهادها و سازمانها بالابرده است. نهادهای قضایی اداری و از جمله دیوان عدالت اداری نیز از این امر مستثنا نبوده و در معرض تحولات فراگیر در عرصه تکنولوژی قرار می‌گیرند و از این رو خدمات خود را باید بر اساس این ابزار نوین به مرحله اجرا برسانند و در این راستا استفاده از هوش مصنوعی امری است که برای نهادهای قضایی اداری امری ضروری و بلکه لازم به نظر می‌رسد و لکن در صورت خطا و اشتباه حاصل از بکارگیری هوش مصنوعی بستگی به مبنای پذیرفته شده برای مسئولیت مدنی و نیز نظریات بررسی شده درباره هوش مصنوعی، مسئولیت اثبات شده برای نهادهای قضایی اداری نیز متفاوت می‌باشد. در میان نظریات مطرح شده درباره ماهیت هوش مصنوعی

۱. ذاکری نیا، حانیه، ماهیت و مبنای مسئولیت مدنی ناشی از هوش مصنوعی در حقوق ایران و کشورهای اتحادیه اروپا، انتشارات دانشگاه تهران، حقوق خصوصی، دوره بیستم، شماره اول، ۱۴۰۲، ص ۱۴۰.

به نظر می‌رشد تشبیه آن به مثابه شیء و محصول ساخت بشری و نیز به مثابه حیوان پنداشتن آن امری مقبول به نظر می‌رسد و بر این اساس به موجب قوانین مطروحه در محتویات نوشتار حاضر همچون؛ اصل ۱۷۱ قانون اساسی، ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، ماده ۳۳۲ و ۳۳۴ قانون مدنی دادگاه‌های اداری در صورت وقوع زیان و خسارات بر متداعیین ضامن و مسئول می‌باشند. و در میان نظریه‌های مطرح شده برای اثبات مسئولیت مدنی دادگاه‌های اداری بهترین مبنا، نظریه تضمین حق می‌باشد.

فهرست منابع

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. قانون اصلاح قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۴۰۲.
۳. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
۴. قانون مدنی ایران.
۵. قانون مسؤلیت مدنی مصوب ۱۳۳۹.
۶. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی، قواعد فقهیه (بجنوردی، سید محمد) ج ۱، تهران - ایران، مؤسسه عروج، سوم، ۱۴۰۱ ه.ق.
۷. امامی، محمد، استوارسنگری، کوروش، حقوق اداری، تهران، نشر میزان، چاپ ۲۹، ۱۴۰۲.
۸. طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی (طاهری) ج ۲، قم - ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۴۱۸ ه.ق.
۹. استوارات جیل راسل، پیتر نورویگ، مترجمین: راحتی، سعید، غفوری، مجید، رویکردی نوین در هوش مصنوعی، مشهد، دانشگاه صنعتی سجاد، ۱۳۹۴.
۱۰. تشخیص، زهرا، مقدمه‌ای بر چالش هوش مصنوعی در حوزه مسؤلیت مدنی، حقوق خصوصی، دوره ۱۸، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۲۷-۲۵۰.
۱۱. قمرانی، امیر، محمدزاده، عادل، اثربخشی مداخله مبتنی بر گریز-خاموشی بر اختلالات تغذیه ای کودکان با ناتوان ذهنی، مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایران (نشریه پرستاری ایران)، دوره ۳۰/۳، ۱۳۹۶، شماره ۷۸، ۱۱۰-۸۷.
۱۲. هداوندخانی، فاطمه، بهداشت روانی در افراد عقب مانده ذهنی، مجله تعلیم و تربیت استثنایی، ش ۷۸، تابستان ۱۳۷۸، ۶۲-۶۷.
۱۳. صفایی، سیدحسین، افضل‌ی مهر، مرضیه، مسؤلیت مدنی سرپرستان در قبال اعمال زیان آور کودکان (بررسی تطبیقی و تحلیلی)، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۶۷، ۱۳۹۳، صص ۱-۳۴.
۱۴. حکمت‌نیا، محمود-محمدی، مرتضی، واثقی، محسن، مسؤلیت مدنی ناشی از تولید ربات‌های مبتنی بر هوش مصنوعی خودمختار، حقوق اسلامی، سال پانزدهم، بهار ۱۳۹۷، شماره ۶۰، صص ۲۳۱-۲۵۸.

۱۵. محمد تقی جعفری تبریزی، رسائل فقهی (علامه جعفری)، تهران - ایران، مؤسسه منشورات کرامت، اول، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۱۶. رجبی، عبدالله، ضمان در هوش مصنوعی، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۰/۱۳۹۸، شماره ۲، صفحات ۴۴۹ - ۴۶۶.
۱۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۳.
۱۸. ذاکری نیا، حانیه، ماهیت و مبنای مسئولیت مدنی ناشی از هوش مصنوعی در حقوق ایران و کشورهای اتحادیه اروپا، انتشارات دانشگاه تهران، حقوق خصوصی، دوره بیستم/۱۴۰۲، شماره اول، صص ۱۳۵-۱۵۲.
۱۹. نورالله شاهرخی، حبیب الله رحیمی، بررسی اصل جبران همه خسارات از حیث انطباق با مبنای وحدت‌گرا در حوزه فلسفه مسئولیت مدنی، مطالعات حقوقی دوره سیزدهم/۱۴۰۰، شماره ۲، صص ۱۴۷-۱۸۲.
۲۰. شوشتری، سید محمد حسن مرعشی، دیدگاه‌های نو در حقوق، ج ۱، تهران - ایران، نشر میزان، دوم، ۱۴۲۷ هـ.ق.
۲۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایه الأصول (طبع آل البیت) - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
۲۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین، فرائد الأصول - قم چاپ: نهم، ۱۴۲۸ ق.
۲۳. علی ولی پور، محسن اسماعیلی، امکان سنجی مسئولیت مدنی هوش مصنوعی عمومی ناشی از ایجاد ضرر در حقوق مدنی، فضانامه اندیشه حقوقی معاصر، دوره دوم/۱۴۰۰، شماره ششم، صص ۱-۸.
۲۴. امیررضا محمودی، مریم بحرکاظمی، هوش مصنوعی و تاثیر آن بر سیستم قضایی، تمدن حقوقی، دوره ۶/۱۴۰۲، شماره ۱۸، صص ۵۵-۷۲.

Legal analysis of civil liability resulting from the use of artificial intelligence in the field of administrative disputes

Mohammad Jalili¹

Marzieh Hashemi Qandali²

Seyyed Ali MirDamad Najaf Abadi³

Abstract

The applications of artificial intelligence in all aspects of social life are obvious and do not require arguments. Artificial intelligence is always used by various organizations and institutions to achieve their goals and qualifications. In the meantime, administrative courts are no exception to this and use artificial intelligence to resolve administrative disputes. The newness of artificial intelligence has led to different views on the nature of artificial intelligence. The purpose of this article is to explain the legal foundations of civil responsibility resulting from the use of artificial intelligence and to speed up the affairs of citizens, while examining all the theories proposed about the nature of artificial intelligence and also applying the well-known principles of civil responsibility to the area of discussion. The result obtained is that the best and most realistic theory is to consider the product of human creation and artificial intelligence as an animal.an animal.an animal.

KeyWords: Artificial intelligence, civil liability, administrative disputes, administrative courts.

1. Imam Khomeini Foundation, mohammad.jalili.sh72@gmail.com

2. Al-Zahra Community Hoda Institute, mhmdjlyly80@gmail.com

3. Imam Khomeini Institute, am42476@gmail.com